

سورة الاحقاف  
والمعلمون  
ان وما

# دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## بررسی ویرایش و نگارش و نقد آن در فارسی معاصر

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در  
رشته زبان و ادبیات فارسی

نگارش

آتوما فروهی

استاد راهنما

دکتر احمد تمیم‌داری

استاد مشاور

دکتر سعید بزرگ‌بیگدلی

پاییز ۱۳۸۳

۹۶۸۷۲

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه پیام نور

۱۳۸۳ / ۷ / ۱۱

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی  
بخش نشریات

شماره ثبت	PIR
شماره نشریات	۹۶
شماره و شماره	۸۴۶۶۴

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان :

بررسی نگارش و ویرایش و نقد آن در فارسی معاصر

نمره : سی و ۲۰ درجه ارزشیابی : عالی

تاریخ دفاع : ۸۳/۷/۲۹

اعضای هیات داوران :

مرتبۀ علمی امضاء

هیات داوران

نام و نام خانوادگی

استادیار

استاد راهنما

آقای دکتر تمیم داری

استادیار

استاد مشاور

آقای دکتر پیگدلی

استادیار

سرکار خانم دکتر معین الدینی استاد داور

استادیار

نماینده محترم گروه

سرکار خانم دکتر کویا

تقدیم بہ

علامہ علی اکبر دہخدا

سارہ جاویدان آسمان ادب فارسی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ب.....	نشانه‌های اختصاری.....
ج.....	چکیده.....
د.....	پیشگفتار.....
۱.....	فصل ۱ ویرایش و پیشینه آن.....
۱.....	تاریخ زبان.....
۳.....	تاریخ خط.....
۱۰.....	ویرایش.....
۲۲.....	فصل ۲ شیوه‌نامه مقایسه‌ای.....
۲۴.....	بخش فارسی.....
۹۶.....	بخش عربی.....
۱۳۰.....	فصل ۳ شیوه‌نامه پیشنهادی.....
۱۳۳.....	بخش فارسی.....
۱۵۴.....	بخش عربی.....
۱۷۰.....	فصل ۴ ویرایش فنی.....
۱۷۲.....	قسمت پیش از متن.....
۱۷۶.....	قسمت متن.....
۱۷۸.....	معیارهای چاپی.....
۱۸۰.....	معیارهای آماده‌سازی.....
۲۰۲.....	قسمت پس از متن.....
۲۱۱.....	فصل ۵ نشانه‌گذاری.....
۲۱۱.....	مقدمه.....
۲۱۱.....	تاریخچه نشانه‌گذاری.....
۲۲۶.....	فهرست مراجع.....
۲۲۹.....	واژه‌نامه.....
۲۳۱.....	نمایه.....

## نشانه‌های اختصاری

آزاد	«آیین‌نامه انتشاراتی دانشگاه آزاد ایران»
آموزش	«شیوه‌نامه املائی کتاب‌های درسی»؛ وزارت آموزش و پرورش
ادیب	«راهنمای آماده‌ساختن کتاب»؛ میرشمس‌الدین ادیب سلطانی
بهشتی	«راهنمای ویرایش شیوه‌نامه دانشگاه شهید بهشتی»؛ آذر مه سنجرى و همکاران
تهران	«نکاتی در باب رسم‌الخط فارسی»؛ عباس زریاب و همکاران
دانشنامه	«شیوه‌نامه دانشنامه جهان اسلام»؛ احمد سمیعی (گیلانی)
شاهری	«مجموعه‌ی کامل اصول و قواعد ویرایش»؛ جلیل شاهری لنگرودی
شعار	«شیوه خط معیار»؛ جعفر شعار
غلامحسین‌زاده	«راهنمای ویرایش»؛ غلامحسین غلامحسین‌زاده
فرانکلین	«سفارشی چند به مترجمان»
فرشیدورد	«کلیاتی درباره املاى فارسی»؛ خسرو فرشیدورد
فرهنگستان	«دستور خط فارسی»؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی
قدس	«راهنمای نگارش و ویرایش»؛ محمدجعفر یاحقی و همکاران
قهرمانی	«راهنمای درست‌نویسی و ویراستاری»؛ ابوالفتح قهرمانی
کاخی	«شیوه نگارش»؛ مرتضی کاخی
محمدی‌فر	«شیوه‌نامه ویرایش»؛ محمدرضا محمدی‌فر
مرکز نشر	«شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی»
مقربى	«شیوه خط فارسی»؛ مصطفی مقربى

## چکیده

با وجود گذشت بیش از هزار سال از عمر ادبیات مکتوب فارسی، توجه به وحدت رسم الخط و یکدستی کاربرد قواعد ویرایشی و نگارشی امری جدید است. این رویکرد نو ناشی از گسترش آموزش همگانی، افزایش شمار کتابهای چاپی، رشد مطبوعات و غلبه زبان نوشتار بر زبان گفتار است. دشواریهای رسم الخط فارسی از دیرباز بر صاحبان نظران پوشیده نبوده است. ظهور شیوه‌نامه‌های بسیار در این زمینه حاکی از این دل‌نگرانیهاست؛ اما توسعه تکنولوژی کامپیوتری از یک طرف و گسترش جغرافیایی زبان فارسی از دیگر سو، ضرورت توجه بیشتر و جدی‌تر به این مقوله را می‌طلبد.

بحث رسم الخط یکی از جنبه‌های بااهمیت در ویرایش است. پرداختن به این موضوع ناشی از تفاوت روش نگارش در میان افراد جامعه فارسی‌زبان است. تمایل به دریافت چگونگی این اختلاف‌نظرها، نگارنده را بر آن داشت تا با مقایسه شیوه‌نامه‌های رایج در زمینه ویرایش و نگارش ضمن تدوین اختلافات، از نتیجه این مقایسه، شیوه‌نامه‌ای تلفیقی از درست‌ترین نظریات مراجع همراه با ذکر دلایل به دست آورد. برای رسیدن به این مقصود می‌بایست ضمن درک ضرورت ویرایش، به تاریخ و پیشینه آن نیز پرداخت و با مقایسه شیوه‌نامه‌های مختلف، به روشی برای تدوین شیوه‌نامه پیشنهادی دست یافت. پرداختن به مقوله ویرایش فنی از نقاط عطف این نوشتار است؛ زیرا در آثار متعدد کم‌وبیش به ویرایش فنی و چگونگی قالب و شکل آثار پرداخته شده است، اما مجموعه‌ای کامل که دربرگیرنده تمامی موارد مربوط به آن باشد، به چشم نمی‌خورد. بحث نشانه‌گذاری نیز جزء جدایی‌ناپذیر مبحث ویرایش است.

از این رو مجموعه این نوشتار شامل پنج فصل است:

فصل اول «ویرایش و پیشینه آن»، شامل تاریخ زبان، خط و ویرایش است. در این فصل با استفاده از مراجع گوناگون اطلاعاتی که به زبان و خط فارسی مربوط است، جمع‌آوری و تدوین شد. در بحث تاریخ ویرایش به بحث تصحیح متون - که از آغازین گامهای ویرایش به شمار می‌آید - و تألیف کتابهای دستور زبان فارسی - که جزء جدایی‌ناپذیر مبحث ویرایش است - به اجمال اشاره شده است.

فصل دوم این مجموعه «شیوه‌نامه مقایسه‌ای» است. در این فصل با انتخاب هجده شیوه‌نامه از میان شیوه‌نامه‌های بسیار، به مقایسه و تدوین جدول تفکیکی موضوعهای رسم الخطی در دو بخش فارسی و عربی پرداخته شد و در نهایت نیز با نتیجه‌گیری آماری، هر جدول پایان یافت. نکته قابل توجه در این فصل حفظ روش نگارش هر شیوه‌نامه است. این کار با وجود دشواری - به دلیل عدول از عادت نوشتاری و تفاوت بسیار در بعضی موارد از نظر رسم الخط با دیگر فصول پایان‌نامه - تنها برای نمایاندن اختلاف‌نظرها در ساده‌ترین مرحله ویرایش، یعنی رسم الخط، انجام شده است. در پایان این فصل در چند موضوع نمودار آماری ترسیم و آورده شده است.

فصل سوم «شیوه‌نامه پیشنهادی» است که از مجموع نظریات مراجع و با استناد به پیشینه هر موضوع در زبان باستانی، سعی در ذکر دلیل برای هر نوع روش نگارشی است.

فصل چهارم «ویرایش فنی»، دربردارنده مجموع نظریات مراجعی است که نگارنده این سطور از آنها مطلع بوده است و به دلیل نوع شغل و علاقه بسیار، سعی در طبقه‌بندی کاربردی این مبحث از دید نویسنده، مخاطب، ویراستار و حروفچین داشته است.

فصل پنجم «نشانه‌گذاری» است که با طرح نظریات مراجع این نوشتار در ارائه مجموعه کاملی در این زمینه سعی شده

است. البته اشاره به تاریخ نشانه‌گذاری و ضرورت انجام آن نیز ضروری می‌نماید.

کلیدواژگان: ویرایش، رسم الخط، خط فارسی، زبان فارسی، نشانه‌گذاری

## پیشگفتار

### از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند

حکایت خواندن و نوشتن، نشان از هویت دینی و ملی ایرانیان است، که حضرت حق فرمان را بر خواندن نهاد و این‌گونه رسالت خاتم خود را آغاز کرد.

آثار مکتوب میراث تاریخ پرافتخار ایران زمین نیز نشانگر هویت ملی ما ایرانیان است. وقتی دربارهٔ زبان سخن به میان می‌آید، بیشتر مردم به‌طور ناآگاه به خط و نوشته فکر می‌کنند؛ ولی همواره باید به‌خاطر داشت که زبان اصل و خط فرع است. برتری زبان بر خط را با دلایل فراوانی می‌توان نشان داد. از جمله این‌که در تمام جوامع بشری زبان وجود دارد، اما لزوماً خط وجود ندارد؛ در جوامعی که خط دارند همهٔ مردم خواندن و نوشتن نمی‌دانند، درحالی‌که همه زبان می‌دانند؛ تاریخ پیدایی زبان را صد تا پانصد هزار سال پیش تخمین زده‌اند، ولی خط پدیده‌ای نوظهور است که حتی ابتدایی‌ترین آن از ده‌هزار سال پیش فراتر نمی‌رود؛ حیات انسان نیز حاکی از برتری زبان بر خط است، به‌گونه‌ای که کودک اول زبان یاد می‌گیرد و بعد به مدرسه رفته، خط می‌آموزد. از این‌رو زبان بسیار قدیمی و خط پدیده‌ای جدید و نمایانگر زبان است. با وجود نکات پیش‌گفته اغلب خط را مهمتر از زبان می‌دانند. از دلایل این اعتقاد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: نوشته صورتی ثابت و چشمگیر دارد، درحالی‌که گفتار گذراست و پس از چند ثانیه ناپدید می‌شود (بدون استفاده از وسایل الکترونیکی)؛ نوشته سنجیده‌تر از گفتار است، در هنگام نوشتن امکان تفکر، سنجش و تجدیدنظر وجود دارد، درحالی‌که در هنگام گفتن، هیچ‌یک از این امکانات وجود ندارد. بنابراین نوشته محکمتر، زیباتر و درست‌تر از گفتار جلوه می‌کند. آثار ادبی و میراث فرهنگی جوامعی که خط دارند، از طریق نوشته در دسترس مردم قرار می‌گیرد و اهمیت فرهنگی آن آثار به‌طور ناآگاه به ارزش خط و نوشته می‌افزاید (۱۸، ص ۷۰ و ۷۱).

خط به‌عنوان وسیلهٔ ثانوی، برای نمایاندن زبان به‌وجود آمده است. از میان انواع خط (که شرح آن در فصل اول همین نوشتار آمده است)، خط فارسی و بیشتر خطوط جوامع متمدن از نوع خط الفبایی است. در خط الفبایی علائم یا حروف آن در برابر صداها قرار می‌گیرند. براساس این فرض، باید هر حرف نمایندهٔ یک صدا باشد؛ اما بجز خطوط آوانگار<sup>۱</sup>، این فرض هیچوقت در مورد الفبای عادی زبان تحقق نمی‌یابد. این امر ناشی از تغییر و تحول زبان و ثبات



خط است. اگر در خط بازنگری نشود، بتدریج شکاف میان خط - که نشانگر تلفظ قدیمی زبان است - و تلفظ تغییر یافته و جدید زبان، آنچنان زیاد می‌شود که دیگر بسختی می‌توان املائی کلمه را نماینده تلفظ آن دانست.

اگر خط اصلاح و بازنگری نشود و زبان همچنان تغییر کند، از صورت الفبایی خارج شده به صورت واژه‌نگار درمی‌آید. هر قدر این شکاف وسیعتر باشد، آموختن خواندن و نوشتن دشوارتر می‌شود. ولی نباید پنداشت که اگر هر حرف نشانه یک صدا باشد، آن خط نماینده کامل گفتار است؛ زیرا خط هر قدر که کامل باشد، نمی‌تواند اختلافات جزئی صداها و خصوصیات زیرزنجیری گفتار<sup>۱</sup> را ظاهر نماید [۱۸، ص ۷۰].

خط فارسی همچون بسیاری از خطوط در نمایاندن صداها، زبان، از توانایی لازم برخوردار نیست. از دلایل این ناتوانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: مصوت‌های «a»، «e»، «o» در خط نشان داده نمی‌شوند (اسب، اداره، اتاق)؛ بعضی صامت‌ها، مکررند و تشدید دارند و در عمل علامت تشدید آنها نوشته نمی‌شوند و اغلب دو کلمه کاملاً متفاوت، یک صورت پیدا می‌کنند (بر و بر)؛ برای بعضی صداها، بیش از یک علامت وجود دارد (س، ص، ث)؛ بعضی از حروف نماینده بیش از یک صدا می‌باشند («و» نماینده «o» یا «u»؛ حروف با توجه به محل قرارگیری خود لااقل به چهار نوع می‌تواند نوشته شود (ع، ع، ح)؛ مسأله سرهم نویسی و جدانویسی حروف الفبای فارسی که موجب بروز اعمال سلیقه‌ای در نویسندگان شده است (این است که / اینستکه)؛ فاصله نابجا میان حروف موجب بروز اشکال در خواندن می‌شود (ما در آنجا هستیم / مادر آنجا هستیم)؛ نوشتن کسره اضافه که در تلفظ می‌آید، اما در نوشتار ظاهر نمی‌شود نیز از عوامل بدخوانی و دشواری خط فارسی است (مردم دیگر این کار را نمی‌کنند / مردم دیگر این کار را نمی‌کنند)؛ فراوانی نقطه‌های پس و پیش آنها از دیگر عوامل است (نشستند / نشستید)؛ توجه به هنر خوشنویسی و برتری زیبایی بر درست‌نویسی نیز از علل مهم بروز اشکال در خط فارسی است [۱۸، ص ۷۰ و ۷۱].

دشواریهای رسم‌الخط فارسی از دیرباز بر صاحب‌نظران پوشیده نبوده است. ظهور شیوه‌نامه‌های بسیار در این زمینه حاکی از این دل‌نگرانیهاست؛ اما گسترش علم انفورماتیک و توسعه تکنولوژی کامپیوتری از یک طرف و گسترش جغرافیایی زبان فارسی و تغییر خط مردم تاجیک از «سرلیک» به «فارسی» ضرورت توجه بیشتر و جدی‌تر به این مقوله را می‌طلبد.

بدیهی است مفاهیم علمی و دانشگاهی بیش از مفاهیم عادی و روزانه به توجه و روشنی نیاز دارد؛ و با توجه به آنچه پیش از این در تفاوت زبان و خط به آن اشاره شد، مقصود چگونگی آگاهی نویسنده از قاعده‌ها، توانمندیها و گنجینه‌های زبانی و مهارت وی در به‌کار بردن درست آنها در قالب نوشته‌ای صحیح و استوار است. به بیانی دیگر آگاهی از قواعد خطی و نگارشی یکی از اصول اساسی تواناییهای نویسندگان است.

آنچه باعث تدوین این نوشتار شد تفاوتها و چندگونگی‌های رسم‌الخط فارسی است که نه تنها نسلاً را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد، بلکه بتدریج این تفاوتها نشانگر سلیقه‌ای شدن نگارش است.

با وجود گذشت بیش از هزار سال از ادبیات مکتوب فارسی، توجه به وحدت رسم‌الخط و یکدستی کاربرد قواعد ویرایشی و نگارشی امری جدید است. آذرنگ معتقد است که پیگیریهای وضع کتاب و نشر در سالهای اخیر، بویژه از

۱. خصوصیات مانند تکیه، آهنگ، مکث و بسیاری دیگر را که ورای تقطیع زبان به صداها، قرار می‌گیرند، خصوصیات «زیرزنجیری» می‌نامند. این ویژگیها یا اصلاً در خط ظاهر نمی‌شوند و یا به کمک نقطه‌گذاری به‌طور بسیار ناقصی نمایانده می‌شوند.

۱۳۷۶ به این سو، نشان از حرکت نکردن ویرایش به سمت قانونمندی است، همچنین حاکی از ناتوانی نهادهای مسئول در قلمرو نشر و تصمیم‌گیری ایشان درباره ویرایش است؛ نابسامانی نظام آموزشی ویرایش نیز از جمله دلایل این تشتت به شمار می‌آید [۲، ص ۱۱۱ و ۱۱۲].

بحث رسم‌الخط یکی از جنبه‌های بااهمیت در ویرایش است. پرداختن به این موضوع ناشی از تفاوت روش نگارش در میان افراد جامعه فارسی‌زبانان است. تمایل به دریافت چگونگی این اختلاف‌نظرها، نگارنده را بر آن داشت تا با مقایسه شیوه‌نامه‌های رایج در زمینه ویرایش و نگارش ضمن تدوین اختلافات، از نتیجه این مقایسه، شیوه‌نامه‌ای تلفیقی از درست‌ترین نظریات مراجع همراه با ذکر دلایل به دست آورد.

برای رسیدن به این مقصود می‌بایست ضمن درک ضرورت ویرایش، به تاریخ و پیشینه آن نیز پرداخت و با مقایسه شیوه‌نامه‌های مختلف، به روشی برای تدوین شیوه‌نامه پیشنهادی دست یافت. پرداختن به مقوله ویرایش فنی از نقاط عطف این نوشتار است؛ زیرا در آثار متعدد کم‌وبیش به ویرایش فنی و چگونگی قالب و شکل آثار پرداخته شده است، اما مجموعه‌ای کامل که دربرگیرنده تمامی موارد مربوط به آن باشد به چشم نمی‌خورد. بحث نشانه‌گذاری نیز جزء جدایی‌ناپذیر مبحث ویرایش است. از این رو مجموعه این نوشتار شامل پنج فصل است که در ذیل به آن اشاره‌ای کوتاه می‌شود:

فصل اول «ویرایش و پیشینه آن»، شامل تاریخ زبان، خط و ویرایش است. در این فصل با استفاده از مراجع گوناگون اطلاعاتی که به زبان و خط فارسی مربوط است، جمع‌آوری و تدوین شد. در بحث تاریخ ویرایش به بحث تصحیح متون - که از آغازین گامهای ویرایش به شمار می‌آید - و تألیف کتابهای دستور زبان فارسی - که جزء جدایی‌ناپذیر مبحث ویرایش است - به اجمال اشاره شده است. هرچند که بحث این نوشتار درخصوص رسم‌الخط است به آثاری همچون چهار مقاله نظامی، قابوسنامه و ... که دربردارنده مطالبی در زمینه درستی نگارش و آداب نویسندگی است، اشاره نشده است.

فصل دوم این مجموعه «شیوه‌نامه مقایسه‌ای» است. در این فصل با انتخاب هجده شیوه‌نامه از میان شیوه‌نامه‌های بسیار، به مقایسه و تدوین جدول تفکیکی موضوعهای رسم‌الخطی در دو بخش فارسی و عربی پرداخته شد و در نهایت نیز با نتیجه‌گیری آماری، هر جدول پایان یافت. نکته قابل توجه در این فصل حفظ روش نگارش هر شیوه‌نامه است. این کار با وجود دشواری - به دلیل عدول از عادت نوشتاری و تفاوت بسیار در بعضی موارد از نظر رسم‌الخط با دیگر فصول پایان‌نامه - تنها برای نمایاندن اختلاف‌نظرها در ساده‌ترین مرحله ویرایش، یعنی رسم‌الخط، انجام شده است. در پایان این فصل در چند موضوع نمودار آماری ترسیم و آورده شده است.

فصل سوم «شیوه‌نامه پیشنهادی» است که با بهره‌مندی از مجموع نظریات مراجع و استناد به پیشینه هر موضوع در زبانهای باستانی، سعی در ذکر دلیل برای هر نوع روش نگارشی شده است.<sup>۱</sup>

۱. نگارنده معتقد است که یکی از دلایل ناهمگونی و نابسامانی در نگارش فارسی، عدم ذکر دلایل منطقی و قانونمند است؛ هرچند که خود را مصون از خطا نمی‌داند و مدعی آن هم نیست که به همه موضوعهای رسم‌الخط پرداخته است. باید یادآور شد که هر تحقیقی مجالی و محدوده‌ای دارد که پژوهشگر آن مقید به حفظ ثغور و حدود آن نیز می‌باشد.

فصل چهارم «ویرایش فنی»، دربردارندهٔ مجموع نظریات مراجعی است که نگارندهٔ این سطور از آنها مطلع بوده است و به دلیل نوع شغل و علاقهٔ بسیار، سعی در طبقه‌بندی کاربردی این مبحث از دید نویسنده، مخاطب، ویراستار و حروفچین داشته است.

فصل پنجم «نشانه‌گذاری» است که با طرح نظریات مراجع این نوشتار سعی در ارائهٔ مجموعهٔ کاملی در این زمینه شده است. البته به تاریخ نشانه‌گذاری و ضرورت انجام آن نیز اشاره شده است.

### روش کار

در تدوین این نوشتار پس از جمع‌آوری اطلاعات در زمینهٔ مراجعی از این دست و تهیهٔ آنها، به‌فراخور هر فصل، موضوع‌بندی، فیش‌برداری و طبقه‌بندی صورت گرفت. پس از آن با مقایسهٔ آنها، نسبت به تدوین هر قسمت اقدام شد و پس از تأیید استادان محترم راهنما و مشاور، نگارش نهایی آنها صورت گرفت. یادآوری این نکته ضروری است که چون فصول پایان‌نامه دربارهٔ ویرایش است و پیشنهادهایی در این زمینه مطرح شده است، ضرورت پایبندی به قوانین دانشگاه باعث شد تا بخصوص در فصل ویرایش فنی عدول در صفحه‌آرایی، نحوهٔ ارجاع و ... رخ دهد.

به‌هرحال به اعتقاد نگارنده، پیروی از قوانین فراتر از اعمال خواسته‌های منطقی و بحق نویسنده است. در ارجاع به تبعیت از دستورالعمل دانشگاه، مراجع به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی نویسندهٔ اول) تنظیم و در متن به هریک با ذکر شمارهٔ مرجع و شمارهٔ صفحه، ارجاع داده شد. یادآور می‌شود که نقل قولهای مستقیم داخل گیومه و با تغییر اندازهٔ قلم مشخص شده است؛ اما نقل قولهای غیرمستقیم که توأم با تصرف و برداشت شخصی است، بدون گیومه و تنها با ذکر شمارهٔ مرجع و صفحه آمده است.

### سپاسگزاری

جمع‌آوری و تدوین این پایان‌نامه، بدون بهره‌مندی از دریای لطف و کرامت بزرگوارانه و رهنمودهای حکیمانهٔ استادان گرانقدر جناب آقای دکتر احمد تمیم داری و جناب آقای دکتر سعید بزرگ بیگدلی میسر نبود که ضمن تلمذ درس استاد، درس بزرگ‌منشی و سعهٔ صدر را نیز از این بزرگواران آموختم. امید است که شاگرد شایسته‌ای بوده باشم.

فراغت خاطر و آرامش خیالم در طول تهیهٔ این نوشتار، مرهون محبت جناب آقای دکتر میرفضل‌اله موسوی، معاون محترم پژوهشی، و سرکار خانم دکتر گیتی ترکمان، مدیر ارجمند دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس است که امکان استفاده از زمان مفید برای انجام این تحقیق را فراهم نمودند. همچنین از همکاران بزرگوارم در دفتر نشر آثار علمی که با حضور و لطف خود، بار وظیفهٔ نگارنده را کاسته و باعث آسودگی خیالم شدند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

همراهی سرکار خانم رقیه بابایی در حروفچینی و صفحه‌آرایی پایان‌نامه بسیار مغتنم بود، از ایشان از صمیم قلب متشکرم. از دوستان دانش‌پرورم، سرکار خانم لیلا نجفی زمان و سرکار خانم لیدا ناصری سینکی - که در طی آماده‌سازی پایان‌نامه به این بنده مرحمت داشتند -، سرکار خانم فرشته تقوی - که همفکری با ایشان در نحوهٔ نگارش، بسیار روشنگر راهم بود -، سرکار خانم مریم دانشگر - که در تمامی مراحل یاری صدیق بودند و بهره‌مندی از جزوهٔ تحقیق دستور زبان ایشان و کتابخانهٔ پدر دانشمندشان، جناب آقای احمد دانشگر، راهگشا و مغتنم بود -، و بویژه از

جناب آقای دکتر علیرضا سرمدی - که همفکری و یاری ایشان در جای جای تدوین و آماده‌سازی پایان‌نامه به چشم می‌خورد - خاضعانه سپاسگزاری می‌کنم.

از استادان بزرگوار جناب آقای احمد سمیعی (گیلانی) - که بدون شناخت حضوری و تنها از طریق تلفن مرا در یافتن مراجع قدیمی یاری فرمودند - و جناب آقای علی صلح‌جو که کریمانه مراجع موردنیاز را در اختیارم قرار دادند، بسیار متشکرم.

در این فرصت از تمام ناشران دانشگاهی و غیردانشگاهی که قبول زحمت کرده، پاسخ سؤالهای بنده را فرمودند، سپاسگزارم و بویژه از جناب آقای متحد - که مقالاتی در این زمینه در اختیارم قرار دادند - و از سرکار خانم اعلم مدیر محترم انتشارات کتابسرا و همسر دانشمندشان جناب آقای اعلم صمیمانه قدردانی می‌کنم.

در پایان که آغازی دوباره است بی‌هیچ تکلفی می‌دانم که اگر نبود حمایتها، گذشتها و چشمپوشیهای همسرم جناب آقای پرویز کهریزی، امکان طی این راه پرفرازونشیب و به انجام رسانیدن این پژوهش هرگز میسر نمی‌شد، صمیمانه و خاضعانه اورا سپاس می‌گویم و روح دانش‌پرور و مهربانش را می‌ستایم. در جای جای این نوشتار یاد و حضور مادرم سرکار خانم رضوان کنعانی - که وجود دانش‌دوستش مشوق تمامی پژوهشگرانی چون من است و از هر کوششی در راه ایجاد تسهیلات در انجام این پژوهش دریغ نکردند - به چشم می‌خورد، بر دستان پرتوان و مهربانش بوسه می‌زنم و سپاس تمام لحظات زندگی را نثارش می‌کنم. همچنین از خواهر عزیزم، ساحره، - که سایه مهرش پیوسته همراهم بود - سپاسگزارم؛ مهرش جاوید و لطفش مستدام.

اما دلیل اصلی نگارش این پایان‌نامه فرزندانم، درنا و تینا بودند که اگر صبر و تعهد ایشان بر رنج نبود مادر و چشمپوشی بر خواسته‌های بحقشان نبود، امید انجام این کار، محال می‌نمود. سپاس و ستایش من نثار فرزندانم.

در پایان صادقانه می‌گویم که این نوشتار تلاشی است تا نگارنده قَلت مایه خود را رهتوشه دوستداران و نوآموزان زبان فارسی نماید. تا شاید گامی هرچند کوتاه در راه یکسان‌سازی و وحدت رسم‌الخط فارسی برداشته باشد.

امید آن دارم که بزرگواران و صاحب‌نظران به مصداق «*اذا مرّوا باللغو مرّوا کراما*» هر خرده‌ای را کریمانه به نگارنده گوشزد کنند که این خود بابی است بر دروازه آینده ادب فارسی، چرا که من نیز چون هر ایرانی، زبان مادری‌ام را سخت دوست می‌دارم.

آتوما فروهی

مهر ۱۳۸۳

## ویرایش و پیشینه آن

### تاریخ زبان

انسان در روابط اجتماعی خود، ناگزیر از برقراری ارتباط با هموعان خویش است. یکی از اساسی‌ترین وسایل برقراری این ارتباط، زبان است.

هرگونه نشانه‌ای که به وسیله آن موجود زنده بتواند حالات یا معانی ذهنی خود را به ذهن موجود زنده دیگر منتقل کند زبان نامیده می‌شود [۶۳، ج ۱، ص ۳]. همچنین می‌توان براساس تعریف محدودتری زبان را مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا دلالت‌های وضعی دانست که به‌طور هدفمند در میان افراد بشر برای القای اندیشه یا فرمان یا خبری، از ذهنی به ذهن دیگر، به‌کار می‌رود [۶۳، ج ۱، ص ۵].

زبان به‌عنوان وسیله‌ای ارتباطی، گاه از نشانه‌های آوایی یا شنیداری و گاه از نشانه‌های دیداری یا نوشتاری بهره می‌گیرد، نشانه‌های آوایی یا صوتی «گفتار» و نشانه‌های دیداری یا نوشتاری، «خط» نامیده می‌شود.

یکی از انواع وسایل ارتباط ذهنی میان افراد بشر، خط و کتابت است؛ اما نوشته - که دلالت کتبی خواننده می‌شود - تنها در یک صورت زبان مستقلی به‌شمار می‌آید که شکل آن بر معنی دلالت کند نه بر لفظ. در این حال نشانه خطی، معنی کلمه را به ذهن بیننده یا خواننده القا می‌کند نه لفظ آن، یعنی مجموعه صوتهایی که خود نشانه‌ای از معنی است با ذهن ارتباط برقرار می‌کند [۶۳، ج ۱، ص ۶].

بنابراین، تنها یک نوع خط از انواع «زبان دیدنی» به‌شمار می‌آید؛ یعنی از نشانه دیدنی، بدون واسطه لفظ، به معنی - یعنی وجود ذهنی اشیا و امور - دست یافتن، که آن را تصویرنگاری<sup>۱</sup> می‌نامند [۶۳، ج ۱، ص ۷]. اساس پیدایی خط در جهان همین بوده است؛ اما امروزه دلالت کتبی در میان بیشتر ملت‌های دنیا، چنین نیست؛ یعنی شکل نوشته بدون دلالت مستقیم بر معنی و به‌واسطه لفظ، بر آن دلالت می‌کند. اکنون کلمه زبان تنها به دلالت لفظ بر معنی اطلاق می‌شود. دلالت لفظ، دلالت ذاتی نیست؛ یعنی صوتهایی که لفظ از آنها مرکب است خودبخود و به ذات بر معنی دلالت نمی‌کنند، بلکه تنها برحسب وضع این رابطه میان مجموعه‌ای از اصوات با صورت ذهنی امری حاصل می‌شود و این رابطه کسبی و آموختنی است [۶۳، ج ۱، ص ۹].

زبانهای متعددی که رابطه خویشاوندی آنها با روش تطبیقی آشکار شده و از اصل واحدی - که «هند و اروپایی» نام دارد - منشعب شده‌اند، از قدیمترین زمان تا امروز وسیله بیان عالیترین اندیشه‌ها و ابزار ارتباط ذهنی بزرگترین و

متمدنترین ملت‌های جهان بوده است [۶۳، ج ۱، ص ۱۲۰].

از آنجا که زبان، پدیده‌ای اجتماعی است و نمی‌تواند صورت ثابت و واحدی داشته باشد و همواره به تبع دگرگونیها و تحولات اجتماعی، دستخوش تغییراتی می‌شود، در هر دوره‌ای از تاریخ ویژگی‌هایی می‌یابد که شکل آن را از زبان دوره پیش متمایز می‌کند. از این رو می‌توان در بررسی تاریخی هر زبان، مسیر تحولات آن را از کهنترین صورت دنبال کرد و تغییرات و تحولات و قوانین حاکم بر آن را در طول تاریخ تعیین کرد [۱۰، ص ۲].

تحول و تکامل همه زبان‌هایی که از اصل هند و اروپایی منشعب شده در طی زمان به یک درجه و میزان نبوده است. بعضی از آنها بسیار زود تحول یافته و بعضی دیگر هنوز به صورتی نزدیک به اصل باقی مانده‌اند. زبان‌های ایرانی - که زبان کشور گشایان بزرگ بوده و در سرزمینی بسیار پهناور پراکنده شده‌اند - به نسبت بسیار زودتر از دیگر زبان‌های هند و اروپایی تحول پذیرفته‌اند [۶۳، ج ۱، ص ۱۲۲].

شعبه‌های اصلی و مهمی منشعب از زبان کهن هند و اروپایی عبارت است از:

حتی، حتی هیروگلیفی و چند زبان آسیائیک، تخاری، یونانی، ایتالیک، آلبانی، ژرمنی، سلتی، بالتی، اسلاوی، ارمنی، آریایی (هند و ایرانی) [۶۳، ج ۱، ص ۱۲۴].

زبان هند و ایرانی که گاه زبان «آریایی» نیز نامیده می‌شود - زبانی مشترک میان نیاکان ایرانیان و هندیان قدیم است و دو شاخه اصلی دارد: زبان‌های هندی و زبان‌های ایرانی. زبانها و لهجه‌های ایرانی را نیز برحسب مراحل تحول آنها می‌توان به سه دوره تحولی باستان، میانه و جدید تقسیم کرد. زبان‌های ایرانی کنونی زبان‌های ایرانی کهن و میانه، امروز دیگر رایج نیستند و آنها را از روی مدارک به جا مانده، می‌شناسیم (۳۲، مقدمه، ص ۱۲ و ۱۳).

زبانها و لهجه‌های ایرانی متداول امروزی - که از قفقاز تا فلات پامیر و از عمان تا آسیای مرکزی بدانها سخن می‌گویند - تنوع بسیار دارد. از این میان زبان فارسی به خاطر ادبیات پر دامنه و اعتبار تاریخی و نفوذ آن در سایر زبانها و لهجه‌های ایرانی و نیز در چند زبان غیر ایرانی (ترکی و اردو) اهمیت خاص دارد [۳۲، مقدمه، ص ۲۱].

زبان فارسی - که زبان رسمی و ادبی ایران است - دنباله طبیعی و صورت تحول یافته یکی از گونه‌های فارسی میانه (پهلوی) و فارسی باستان است و از زبان قوم پارس سرچشمه می‌گیرد. آشکار است که تحولات زبان فارسی دری نیز بسیار بوده است؛ اما این تحولات به اندازه‌ای نیست که زبان شاعرانی چون رودکی و فردوسی را بکلی جدا از زبان امروز بدانیم.

آغاز زبان فارسی کنونی را باید از نخستین آثاری که پس از اسلام به این زبان به وجود آمده، محسوب داشت. تحول مهم اجتماعی، سیاسی و مذهبی حاصل از نفوذ اسلام، در زبان رسمی مؤثر شد. زبانی که پس از اسلام به خط عربی (به جای خط پهلوی) ضبط گردید و قدیمترین نمونه‌های آن را در اشعار حنظله بادغیسی، محمدبن وصیف سیستانی، شهید و رودکی می‌یابیم، تا امروز تغییر اساسی نیافته است [۳۲، مقدمه، ص ۲۴].

از قرن چهارم هجری تا امروز فارسی دری - که فارسی نو نیز خوانده می‌شود - زبان رسمی اداری، دولتی و فرهنگی ایران است [۶۳، ج ۱، ص ۲۹۱] و بیش از هزار و دویست سال قدمت دارد. این زبان در میان زبان‌های جدید ایرانی، تنها زبانی است که ادبیات وسیع و طراز اول به وجود آورده و با تأثیر چشمگیر در همه لهجه‌های ایرانی (بجز آسی و کونراری) در بسیاری از نواحی بخصوص نواحی شرقی ایران جایگیر لهجه‌ها و زبان‌های دیگر ایرانی شده است [۳۲، مقدمه، ص ۲۴].

پس نتیجه می‌گیریم زبانی زنده و ماناست که آثار مکتوب از آن باقی مانده باشد و زبان فارسی از آن جمله است. پس

خط وسیله‌ای برای ثبت اندیشه و تفکر افراد بشر است که زبان و ویژگیهای آن را در میان افراد ملتی هم‌زبان حفظ کرده و در راه برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات، طی امری قراردادی وضع می‌کند. یکی از مهمترین ویژگیهای خط، حفظ و انتقال میراث فرهنگی هر کشور است. بیشترین شناخت ما از گذشتگان، مرهون «خط» است؛ زیرا با پیدایی خط، پیام‌رسانی بُعد تازه‌ای یافته و با گسترش مرزهای زمانی و مکانی پل ارتباطی با این میراث ارزشمند را فراهم ساخته است.

## تاریخ خط

خط هنر تثبیت ذهنیات با علائم معهود چشم است. نیاز به حفظ خاطره‌ها نخستین محرک پیدایی خط در بین اقوام عالم بوده، چه انسان اولیه برای حفظ اموری که می‌خواست سالهای مدید باقی بماند، ابتدا به رسم صور آنها پرداخته و از این تصویرپردازی، روش تصویرنگاری را به وجود آورده است. روش تصویرنگاری که در ابتدا ناظر به رسم صور اشیا بوده، بعدها توانسته با تصویر اشیایی شبیه به اندیشه‌ها در نمایش اندیشه نیز اقدام کند. این طریق نمایش اندیشه، همان است که نام *اندیشه‌نگاری*<sup>۱</sup> را در تاریخ خطوط دارد. با وجود تأثیر روش اندیشه‌نگاری باز هم رفع نقص تصویرنگاری، کافی نبود. چه در این روش اندیشه‌ها با علائمی نمایش داده می‌شدند که بکلی فارغ و مستقل از زبان بود. از قدیم در نزد مردم نسبتاً پیشرفته، یک سلسله اعمال و علائمی وجود داشت که تا حدی به حفظ خاطره‌ها و اموری که باید حفظ شوند، کمک می‌کرد، نظیر چوب‌خطهای کوچک آلمانیهای قدیم و یا ریسمانهای گره‌خوردهٔ مردمان پرو، از زمان اینکاها<sup>۲</sup> و یا گردنبندهای صدفی قوم ایروکوا<sup>۳</sup> به نام وامپون<sup>۴</sup> و سرانجام چوب‌خطهای استرالیاییها، چه این امور در حفظ خاطره‌ها نقش خطوط را بازی می‌کردند. نارسایی روش اندیشه‌نگاری موجب شد تا در کار نگارش طریق دیگری پیش آید که بیشتر به زبان وابسته باشد. یعنی به اصواتی که با شنیدن آنها معانیشان درک شود. در این روش اسامی با علائمی نشان داده می‌شوند که با اصوات مذکور ارتباط ندارند؛ ولی آشنایی چشم با آنها، همان الفاظ را به خاطر می‌آورد [۳۲، ج ۷، ص ۹۸۵۵]. خط قوم «ازتک»<sup>۵</sup> اندیشه‌نگار و صوت‌نگار<sup>۶</sup> بود؛ یعنی دو روش پیش‌گفته را در برداشت. با به‌کارگیری علائمی که شکل کلمات آن، با کلمات بیانگر معانی آنها جناس لفظی دارد، خط به «مرحلهٔ سیلابی»<sup>۷</sup> کشانیده شد. در این مرحله، هر سیلاب با علامتی خاص همراه است. با پیشرفت نمایش سیلابی خط، بتدریج «روش الفبایی»<sup>۸</sup> شکل گرفت. در روش سیلابی، با تجزیهٔ سیلابها و نمایش مجزای هر یک از آنها، مطلب شکل تحریری به خود گرفت. در جنب خط ازتک به دنیای جدید، می‌توان از یک طریق اندیشه‌نگاری به نام «زوش سنگریزه‌ای»<sup>۹</sup> نام برد. نوشته‌هایی از این جنس در یوکاتان<sup>۱۰</sup> و امریکای مرکزی و مکزیک به چشم می‌خورد. در دنیای قدیم چهار نوع خط اندیشه‌نگار وجود داشت: خط

1. Ideographisme (symbolisme)
2. Incas
3. Iroquios
4. Wampun
5. Azteque
6. phonetisme
7. Syllabic
8. Alphabefique (فرانسوی)
9. Calculiforme
10. Yucatan

میخی<sup>۱</sup>؛ خط هیروکلیمف مصری<sup>۲</sup>؛ خط هیروکلیمف هیتی [۳۲، ج ۷، ص ۹۸۵۶].

به احتمال زیاد، فنیقی‌ها نخستین کسانی بودند که افتخار کشف الفبای حقیقی را دارند، کشفی که تحول عظیمی در خط به وجود آورد؛ زیرا الفبای یونانی و ایتالیایی برگرفته از این الفباست. از آنجا که الفبای سایر کشورهای اروپایی مشتق از این دو الفباست، می‌توان مبدأ خطوط ملل اروپایی را الفبای فنیقی دانست. علاوه بر این از طریق قوم آرامی، الفبای فنیقی در مصر، عرب و بین‌النهرین تا هند گسترش یافت. اصول این خط با اختراع علائم نشانگر حروف مصوت به وسیله یونانیها، کامل شد [۳۲، ج ۷، ص ۹۸۵۶].

با وجود خط فنیقی، سایر خطوط جز خط چینی، از قلمرو نویسندگی خارج شدند، نگارش آسان این خط موجب توسعه آن شد. در پی پیشرفت خط، محل و مواد نویسندگی نیز توسعه یافت؛ زیرا پیش از پیدایی کاغذ، از سنگ، فلزات و نیز پوست درختان و جانوران استفاده می‌شد [۳۲، ج ۷، ص ۹۸۵۶].

در دنیای امروز انواع اصلی خطوط عبارت است از: چینی، عربی (خط تمام ملل مسلمان بجز ترکیه)، هندی، یونانی، روسی، آلمانی، لاتین (این خط را امریکاییها و استرالیاییها نیز گرفته‌اند) [۳۲، ج ۷، ص ۹۸۵۶].

## تاریخ خط در ایران

با آمدن اسلام به ایران و گسستن فرهنگ پس از اسلام با پیش از آن، مبحث خط به دو قسمت تقسیم می‌شود. قسمتی از آن به خطوط پیش از اسلام در ایران و دیگری مربوط به خطوط پس از اسلام است.

### خطوط ایرانی پیش از اسلام

سه خط میخی، اوستایی و پهلوی از خطوط پیش از اسلام می‌باشند [۳۲، ج ۶، ص ۹۴۷۶]. خط فارسی در ابتدا از خط آرامی، منشعب شده بود. این خط در دوره هخامنشی متداول و برای مکاتبات اداری به کار می‌رفته است [۶۳، ج ۱، ص ۲۴۲]. خط میخی به دوران هخامنشیان مربوط است و با کوشش صد و پنجاه ساله خاورشناسان غربی، الفبای زبان پارسی قدیم مشخص شد و براساس آشنایی با کتیبه بیستون داریوش اول و کشف چهارصد کلمه از آن، صرف و نحو این زبان نوشته شد و با پیشرفت تحقیق در این خط، امروز از هر نظر به زبان رایج زمان هخامنشیان آگاهی وجود دارد. برای راهیابی به خط اوستایی خاورشناسان غربی با یاری گرفتن از زبان سانسکریت و صرف و نحو آن به مبانی و معانی درست کلمات اوستایی پی بردند [۳۲، ج ۶، ص ۹۴۷۷]. این خط بتدریج در طول زمان تغییر یافت و به خط پهلوی تبدیل شد. از میانه دوره اشکانیان، خط پهلوی به عنوان خط ملی ایرانی در برابر خطهای دیگر مانند یونانی و برهمایی شناخته شده بود. از این رو ساسانیان نیز آن را حفظ کردند و ادامه دادند [۶۳، ج ۱، ص ۲۴۲].

بنابراین مورخان اسلامی خطوط مختلفی در دوره ساسانیان متداول بوده که هر کدام برای منظوری خاص، به کار رفته است، مثلاً خطی برای نوشتن عام، خطی برای فرمانها و عهدنامه‌ها و ... ولی البته به این اقوال اعتمادی نیست، زیرا ظاهراً همه این خطوط از اصل آرامی بوده‌اند [۲۶، ص ۲۵ و ۲۶].

زبان و خط پهلوی لهجه سرزمین پارتهاست. برای شناخت این زبان و خط نیز خاورشناسان غربی با کوشش بر

1. Cuneiforme

2. Hieroglyphe Egyptien (فرانسوی)



کتیبه‌های عهد ساسانی به خواندن خط و زبان پهلوی دست یافتند [۳۲، ج ۶، ص ۹۴۷۹].

### خطوط ایرانی پس از اسلام

خط پهلوی از دوران اشکانی تا سه قرن پس از اسلام در سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌ها، اسناد معاملات، کتابها و رسالات گوناگون - که به زبانهای پهلوانیک و پارسیک نوشته می‌شده - به‌کار می‌رفته است [۶۳، ج ۱، ص ۲۴۸].  
خواندن خط پهلوی به دلایل زیر دشوار بوده است:

- نداشتن نشانه خاص برای مصوت‌های کوتاه؛
- تفاوت حروف ترکیبی از صورت مجزای آن؛
- یک حرف نشانگر چند واک مختلف بود؛
- کلماتی به آرامی نوشته اما به پهلوی خوانده می‌شد؛

استیلای اعراب بر ایران تا یک قرن بعد، تأثیر چندانی بر زبان و خط فارسی نداشت؛ اما در زمان حکومت حجاج بن یوسف برای اولین بار دفتر دیوان به عربی برگردانده شد. در خراسان نیز تا اواخر خلافت هشام بن عبدالملک همان دستگاه اداری ساسانی دوام داشت [۶۳، ج ۱، ص ۳۰۸ و ۳۰۹].

با تغییر دفتر دیوان به زبان عربی، رفته رفته خط عربی به دلایلی جایگزین خط پهلوی شد. این دلایل را می‌توان چنین برشمرد:

- دشواری خط پهلوی چه در خواندن و چه در نوشتن؛
- امتیاز اجتماعی مهم برای آشنایی با زبان عربی؛
- لزوم آگاهی و تسلط بر زبان عربی برای اشغال پست‌های دیوانی و اداری و برقراری ارتباط با سراسر قلمرو اسلامی؛
- ورود کلمات عربی به زبان فارسی.

دگرگونی‌های سیاسی در صدر اسلام و حمله ترکان و مغولان، اسناد دوران پذیرش خط عربی برای کتابت فارسی را از بین برده است؛ ولی به‌طور تقریبی می‌توان گفت که از سده دوم هجری، زبان فارسی را با خط عربی می‌نوشته‌اند. چنان که «محمد جهشیاری» سال جایگزینی رسمی خط عربی به جای خط پهلوی را ۱۳۰ هجری می‌داند [۵۰، ص ۲۳].

از این‌رو در این بخش تاریخ خط فارسی همان تاریخ خط عربی است. بنا بر گفته جرجی زیدان اعراب حجاز مدرکی دال بر خط و سواد ندارند، ولی از اعراب شمال و جنوب حجاز آثار کتابت بسیار به‌دست آمده است که معروفترین این مردمان یمنی‌اند که با حروف مسند می‌نوشتند و دیگر نبطی‌های شمالند که خطشان نبطی است (۳۲، ج ۷، ص ۹۸۵۶). از آشنایی دیرین عربهای حجاز با کتابت و خط، نشانه‌ای به‌دست نیامده که این ناشی از زندگی بدوی آنهاست. سفرهای تجاری بعضی از آنان به شام و عراق، رفته رفته موجب آشنایی با تمدن آن مناطق و تأثیرپذیری از مردم آنجا شد تا جایی که خط و کتابت را از آنان آموختند و برخی دیگر از تاجران حجاز خط نبطی و یا سریانی را آموخته، به سرزمین خود منتقل کردند. این دو نوع خط تا پس از فتوحات اسلامی در میان اعراب باقی و معروف بود [۵۸، ص ۱۱۶].

ابن ابی داود سجستانی در خصوص مسأله ورود خط به حجاز یا قریش سه روایت نقل می‌کند:

۱. مهاجرین، خط را از اهل حیره و انبار اخذ کردند؛

۲. به نقل از هشام بن محمد بن سائب کلبی، بشر بن عبدالملک کندی، خط را به سفیان بن حرب بن امیه تعلیم داد؛

۳. مرازم بن سلمه و اسلم بن حرزه، خط عربی را اختراع کردند.

طبق هر سه روایت، اصل خط عربی از انبار به مردم حجاز منتقل شده است؛ اما بیشتر مورخان، با تأیید روایت دوم، نوشته‌اند که خط، پیش از ظهور اسلام به وسیله حرب بن امیه بن عبد شمس - که در طی سفرهای مختلف، خط را از چند نفر آموخت - وارد مکه شد. ابن عباس نیز حرب بن معاویه را نخستین حلقه واسط برای ورود خط عربی به حجاز، دانسته است. ابن عباس اولین آموزگار خط در جهان خلقت را خلفجان، کاتب وحی هود پیغمبر (ع)، دانسته است [۲۱، ص ۱۷۰ تا ۱۷۲].

بعضی راویان وضع خط و نگاره سریانی را به حضرت آدم (ع) نسبت داده‌اند و برخی دیگر ادیس نبی (ع) را نخستین کسی دانسته‌اند که پس از آدم با قلم چیزی نوشت. همچنین نقل شده که نخستین کسی که خط و کتابت عربی را اختراع کرد حضرت اسماعیل (ع) فرزند حضرت ابراهیم (ع) است.

ابن ندیم در تأیید اختراع خط عربی به وسیله حضرت اسماعیل، می‌نویسد خداوند متعال زبان اسماعیل را به لغت و زبان تازی آشنا ساخت و فرزندان او نفیس، مضر، تیما و دومه کسانی هستند که خط عربی را با وضع گسترده‌ای تأسیس کردند.

از نظر ابن خلدون پدیده خط و خوبی و بدی آن به قانون تمدن و شهرنشینی و قانون بدوات و صحراگردی و بیابان‌نشینی ارتباط دارد. او معتقد است که اهل حیره خط را به مردم طائف و قریش تعلیم داده‌اند. به این صورت که سفیان بن امیه خط را از اهل حیره و اسلم بن سدره از سفیان آموخت.

ابن خلدون در بیان خود در سلسله انتقال خط، اشخاص و افراد معینی را به میان نمی‌آورد، بلکه این حرکت و انتقال را از یک کانون تمدنی به کانون دیگر تا رساندن این تسلسل به وسیله اشخاص معین یا نامعین به قریش بررسی کرده است.

ولی توجه به نظریات ابن خلدون، بیانگر آن است که خط عربی از سابقه بسیار طولانی برخوردار بوده است چون یکی از حلقات تحول این خط، خط ممیری است که به سالهای ۳۰۰ تا ۵۲۵ میلادی برمی‌گردد؛ البته این نظریه برخلاف نظر راویان و مورخان پیشین است.

پس از ابن خلدون، «قلقشندی» با طرح روایت بلاذری و ابن ابی داود، دقیق‌ترین مطالعات و بررسی درباره خط و انواع آن را ارائه کرده است.

در پایان درباره ظهور خط عربی و ورود آن به مکه یا جزیره العرب باید گفت که برحسب روایات گذشته، انتقال این خط از منطقه‌ای به منطقه دیگر صورت گرفت و یا شخص یا اشخاصی این پدیده مدنیت را به سرزمین عربستان بردند و باتوجه به اختلاف روایات، نمی‌توان بیش از این با قاطعیت در جزئیات مطالب گفتگو کرد [۲۱، ص ۱۷۱ تا ۱۷۷].

## تاریخ تحول خط

خط نسخ از خط نبطی و خط کوفی از خط سریانی به وجود آمد. این دو خط در آغاز در نامه‌ها و نوشته‌های عادی و سپس در نوشته‌های مهم، مانند قرآن و حدیث به کار می‌رفت. با ظهور اسلام، تنها حدود سیزده نفر در میان عربهای حجاز با خط و نوشتن آشنا بودند. پیامبر (ص) آنها را برای کتابت وحی استخدام کرد و مسلمانان را به آموختن خط و کتابت تشویق

کرد و روز به روز، بر دامنه متعلمان کتابت افزوده شد [۲۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷].

از زمانی که بین مسلمانان گفتگو از واضح نوشتن و به اعتدال و خوب نگاشتن و پس از آن زیبایی خط به میان آمد، فعالیتها شروع شد و هر خطاط و نویسنده مسلمان کوشید تا خط را در نهایت خوبی و زیبایی جلوه دهد. از خالد بن ابی الهیاج (یکی از اصحاب حضرت علی (ع)) به عنوان اولین کسی که در صدر اسلام خط نیکویی داشته، یاد شده است. پس از او نیکو نوشتن رواج یافت و هر نویسنده و خطاطی در این راه بر مبنای ذوق و سلیقه خود، گام برداشت. تا هنگامی که کوششها و راهنماییهای بزرگان و نویسندگان، ابن مقله را بر آن داشت تا به تدوین قواعد و ضوابط معین خطوط اسلامی بپردازد. او قوانین خط را به میزان علم هندسه درآورد و به آن رتبه علمی بخشید. یاقوت مستعصمی با پیروی از قواعد ابن مقله و ذوق و ابتکار خود، در زیبایی بیشتر خط گامی مؤثر برداشت و انواع خطوط را گسترش داد. شیوه و روش او با تعلیم خطوط سته<sup>۱</sup> به شاگردان در سرزمینهای اسلامی آن روز رواج یافت به طوری که در ایران، ترکیه و مصر، با توسعه و رواج روزافزون بر دیگر شیوهها غلبه یافت و با پیدا شدن نوابغ خط، شیوههای بهتر و زیباتر بر مبنای یاقوت رو به کمال نهاد.

در ایران پس از شاگردان و پیروان یاقوت، کسی که خود در خطوط سته دست داشت، خط نوپدید نستعلیق را به قالب صحیح قواعد ریخته، تعلیم داد. میرعلی تبریزی با تجدید نظر در قواعد خط، خط نستعلیق را در ردیف خطوط سته یاقوتی قرار داد [۴۷، ص ۷۵ تا ۷۸].

از استقلال دولت یعقوب لیث صفار در ایران، زبان فارسی دری، زبان رسمی ایران شد [۷، ص ۱۰۳] و با نفوذ و رشد زبان فارسی، خط نیز با یاری جستن از حروف الفبای عربی در راه بیان منویات ذهنی و درونی فارسی زبانان رشد چشمگیری کرد. با توجه به ذوق سلیم و قریحه لطیف و نغز ایرانی، خط فارسی به عنوان هنری قابل توجه در میان هنرشناسان مطرح و به کمال رسید. از این روست که دوران خطاطی در خطاط را همچون عمر آدمی می‌دانند، دوره کودکی و آغاز خط، دوره نوجوانی و جوانی و نیرومندی خط، دوره کهولت و ضعف و تنزل و دوره پیری خط. خط نستعلیق به دست میرعلی تبریزی، دوره طفولیت و کودکی را گذرانید و به دست سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی، نوجوانی، جوانی و نیرومندی یافت و به دست میرعماد به حد کمال و پختگی رسید [۴۷، ص ۴۶۸].

### خط فارسی

زبان فارسی با بیش از هزار سال سابقه مکتوب، در اصل به کتابت زبان عربی اختصاص داشته و جوابگوی نیازهای آن زبان بوده است. این خط برای سازگاری با مقتضیات زبان فارسی، به مرور دستخوش تحولاتی شده است [۳۵، ص ۱۸۷]. هرچند این تحول در نخستین قرنهای تکوین زبان فارسی، در سطح واژگانی و نحوی به گونه‌های متفاوتی در میان متونی که در مناطق مختلف ایران نوشته شده، دیده می‌شود؛ اما با گذشت زمان کاهش می‌یابد. نوشتن برخی از کلمات به صورتی که در منطقه جغرافیایی خاصی به کار رفته و ضبط متفاوت برخی از صیغه‌های فعل - که از ویژگیهای متون تألیفی قرن ششم و هفتم است - بعدها از بین می‌رود [۵۹، ص ۱]. تحول در خطی که برای کتابت زبان زنده به کار رود، امری ضروری است. تنها خطی از تحول معاف است که زبانی مرده، مانند اوستایی یا لاتینی به آن نوشته شده باشد [۳۵، ص ۱۸۷].

۱. خطوط سته عبارت است از محقق، ریحان، ثلث، نسخ، ترقیع و رقاع.

خط فارسی با همه تلاشهایی که برای رهایی از قید مقتضیات زبان عربی کرده، هنوز نتوانسته است استقلال تام پیدا کند و تنها مقید به الزامات مربوط به زبانی باشد که برای کتابت آن به کار می‌رود. دلیل آن شاید ناشی از عربی بودن زبان مکتوب علمی و آموزشی ما تا قرن اخیر بوده است؛ زیرا زبان و خط فارسی بیشتر در شعر و ادب به کار می‌رفته است [۳۵، ص ۱۸۹]. خط فارسی در آغاز تنها جوابگوی مقتضیات زبان عربی بوده؛ اما با گذشت زمان به منظور سازگاری با نیازمندیهای زبان فارسی، دستخوش تغییر و تصرف و تحول شد.

تحول خط فارسی با حفظ خصوصیات ثابتی به شرح زیر است:

- نوشته شدن از راست به چپ همچون خط پهلوی؛
- منعکس نشدن مصوت‌های "a"، "e" و "o" غیر پایانی در نوشتار و در نتیجه خصلت الفبایی - هجایی پیدا کردن خط؛
- وجود حروف متصل و منفصل و در نتیجه چند لختی شدن صورت نوشتاری بیشینه کلمات، اعم از بسیط و مشتق و مرکب؛
- گونه‌های متعدد نوشتاری یک حرف در بافتهای آغازی و میانی و پایانی هر لخت از واژه؛
- وجود حرف غیرملفوظ (واو معدوله) که نشانی است برجامانده از واج از بین رفته "v"؛
- نشانه‌های نوشتاری متعدد برای یک آوا که بیشتر نتیجه ورود کلمات عربی به زبان فارسی با دگرگونی تلفظ، ولی با حفظ صورت نوشتاری آنهاست؛
- چندآوایی بودن بعضی از حروف؛
- سر هم نویسی و جدا نویسی تقریباً سلیقه‌ای؛
- وجود هم نگاشتها در فارسی و عربی (باز پرنده)، باز (گشوده)؛ سور (در فارسی: مهمانی)، سور (در عربی: باره شهر)؛
- رعایت نشدن فاصله میان کلمه‌ای که ناشی از دوگونگی حروف (متصل و منفصل) است؛
- فراوانی دندان و نقطه و تمایز شماری از حروف با این دو عنصر که عامل عمده تصحیف و تحریف شده است؛
- القاگری صورت نوشتاری کلمه که به مجموع حروف آن هویت و تشخیص مستقل کتابتی می‌بخشد و این ناشی از وجود حروف متصل و تفاوت‌های مکانی کرسی حروف است؛
- باقی ماندن صورتهای نوشتاری مختص عربی در کلمات و عبارات (ابوالهول، صغری، هدایة المتعلمین) [۳۵، ص ۱۸۷ تا ۱۸۹].

نسخه‌های بازمانده از سده قرن پنجم هجری و پس از آن و تنوع و چندگونگی رسم خط و اشکال متفاوت و گوناگون حرف واحد در متن واحد، نشانگر آن است که پیش از آن نیز، شیوه یکسانی در نگارش وجود نداشته است و هر یک از کاتبان براساس ذوق و سلیقه خود یا به پیروی از نوع خطی که به کار می‌برده‌اند (کوفی، نسخ، ثلث و ...) از شکل خاصی برای نشان دادن حرف مورد نظر استفاده می‌کرده‌اند. انفصال و اتصال پاره‌های کلمات نیز عموماً از نوع خط، پسند و سلیقه کاتب و میزان اهمیت آن در خوشنویسی تبعیت می‌کرده است [۶۶، ص ۸].

به طوری که به نظر می‌رسد زبان فارسی امروز به یک شکل و صورت نوشته می‌شود و در ظاهر خواندن آن نیز مشکلی ندارد. با این حال رسم الخط یا شیوه نگارش و دستور فارسی تا این اواخر قاعده مشخصی نداشته است. نسخه‌های خطی گواه این بی‌توجهی است، تا جایی که در یک صفحه یا حتی یک سطر، کاتب واژه مرکبی را یک بار سر هم و بار دیگر جدا نوشته است. از این رو کنکاش و بررسی دست‌نوشته‌های قدیمی، برای دستیابی به قاعده‌ای در رسم الخط فارسی امری